سنگر کتاب

برای شناخت لاجوردی

به همان نسبتی که دشمنان نظام و انقلاب اسلامی خصوصا گروهک منحله منافقین برای تخریب چهره شهید سید اسدا... لاجوردی چه در زمان حیات و چه پس از شهادت تلاش کردند، نیروهای انقلابی و نویسندگان متعهد هم کمر همت بستند تا آثاری را در ترویج روحیه انقلابی و اسلامی این مرد خدا، منتشر کنند. این تلاش‌ها تا ساختن مستندهای مختلف و حتی چند اثر داستانی کوتاه هم ادامه پیدا کرد که از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. این روند با چاپ کتاب‌های مختلف هم از سوی نویسندگان و ناشران مختلف پیگیری شد که این شش کتاب را شاید بتوان خواندنی‌ترین آثار درباره موضوع زندگی و زمانه شهید سیداسدا... لاجوردی دانست. بی‌شک این مسیر، همچنان تلاش‌های دیگری را می‌طلبد.

مبارزه به روایت سید اسدا... لاجوردی
جواد اسلامی

از جنس لاجورد
مهدی خدادادی

لاجوردی به روایت اسناد ساواک
مرکز بررسی اسناد تاریخی

اسدا... لاجوردی
غلامعلی پاشازاده

به‌سختی پولاد به‌نرمی لبخند
ساسان ناطق

مثل باران
میثم رشیدی مهرآبادی

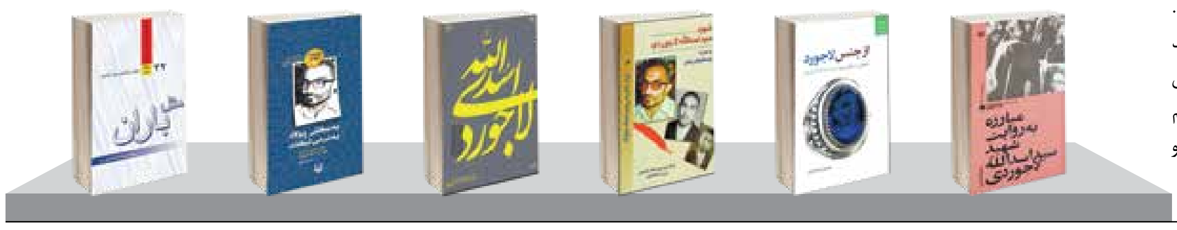

خون‌نگار

زینب گل‌محمدی | نویسنده و پژوهشگر

سید اسدا... کیست؟

رهبر معظم انقلاب به مناسبت شهادت سید اسدا... لاجوردی پیامی صادر کردند که در بخشی از آن آمده: «منافقان کوردل و خیانت پیشه، با این جنایت عمق کینه خود را نسبت به یاران صادق امام امت و خدمتگزاران حقیقی مردم آشکار کردند و چهره تیره خود را، تیره‌تر و منفورتر ساختند.»

سید اسدا... لاجوردی، ۱۳۱۴ در جنوب تهران متولد شد. پدرش سیدعلی‌اکبر به هیزم‌فروشی اشتغال داشت. اسدا... در دومین سال تحصیلی در دبیرستان، ترک تحصیل کرد و در کنار پدر به کار مشغول شد. با این همه، درس را در منزل به صورت فراگیری علوم قدیمه ادامه داد. علاوه بر این ادبیات عرب و علوم حوزوی را در حد کفایه فراگرفت و جلسات تفسیر قرآن در منزلش تشکیل داد. اسدا... لاجوردی از شاگردان شهید بهشتی و مطهری بود و در شکل‌گیری جمعیت مؤتلفه اسلامی نقش اساسی داشت. پس از ترور حسنعلی منصور ـ نخست‌وزیر وقت ـ در بهمن ۱۳۴۳ بسیاری از اعضای این جمعیت از جمله اسدا... لاجوردی دستگیر شدند. او پس از محاکمه به ۱۸ ماه حبس تادیبی محکوم شد. در این مدت کمرش در شکنجه‌هایی که متحمل شد شکست و چشمش نیز آسیب دید. لاجوردی پس از آزادی، جلسات تفسیر قرآن را از سر گرفت. براساس گزارش ساواک «سید که در بازار جعفری به دستمال‌فروشی و روسری‌فروشی اشتغال داشت، منزل خود را به محل گردهمایی افراد مذهبی، مبارز و آشنا به مبانی دینی تبدیل کرده بود.»

لاجوردی در اردیبهشت ۱۳۴۹ به اتهام حمله به شرکت هواپیمایی ال‌آل متعلق به رژیم صهیونیستی پس از برگزاری مسابقه فوتبال میان دو تیم ایران و اسرائیل بازداشت و به چهار سال حبس مجرد محکوم شده بود در داخل زندان نیز به آموزش مبانی دینی به زندانیان پرداخت و به همین علت به زندان مشهد انتقال داده شد و بخشی از محکومیت خود را در آن شهر گذراند.

لاجوردی در فروردین ۱۳۵۳ از زندان آزاد و مجددا در اسفند همان سال بازداشت شد. اتهام او «فعالیت‌های زیرزمینی و همچنین خودداری از پاسخگویی راجع به اقدامات خرابکارانه خود» بود و به ۱۸ سال حبس جنایی محکوم شد. او در این دوره از زندان خود، با انحرافات فکری سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بیشتر آشنا شد. سرانجام لاجوردی در مرداد ۱۳۵۶ به همراه بسیاری از زندانیان سیاسی آزاد شد.

لاجوردی در کنار شهید مهدی عراقی و شهید اسلامی از مسئولان انتظامات کمیته استقبال از امام خمینی(ره) بودند. او از ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ با نظر مساعد امام خمینی و آیت‌ا... بهشتی دادستان انقلاب تهران شد و در این سمت به مبارزه جدی با عوامل سازمان مجاهدین خلق که ترور مسئولان و مردم را در دستور کار خود قرار داده بودند، پرداخت. لاجوردی سرانجام اول شهریور ۱۳۷۷ در حالی که با دوچرخه به محل کسب خود در بازار تهران می‌رفت توسط دو نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق ترور شد و به شهادت رسید.

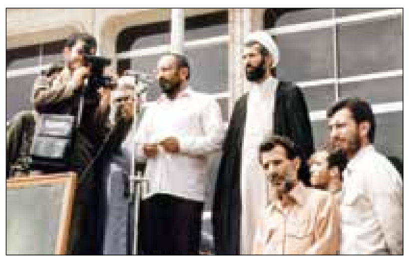

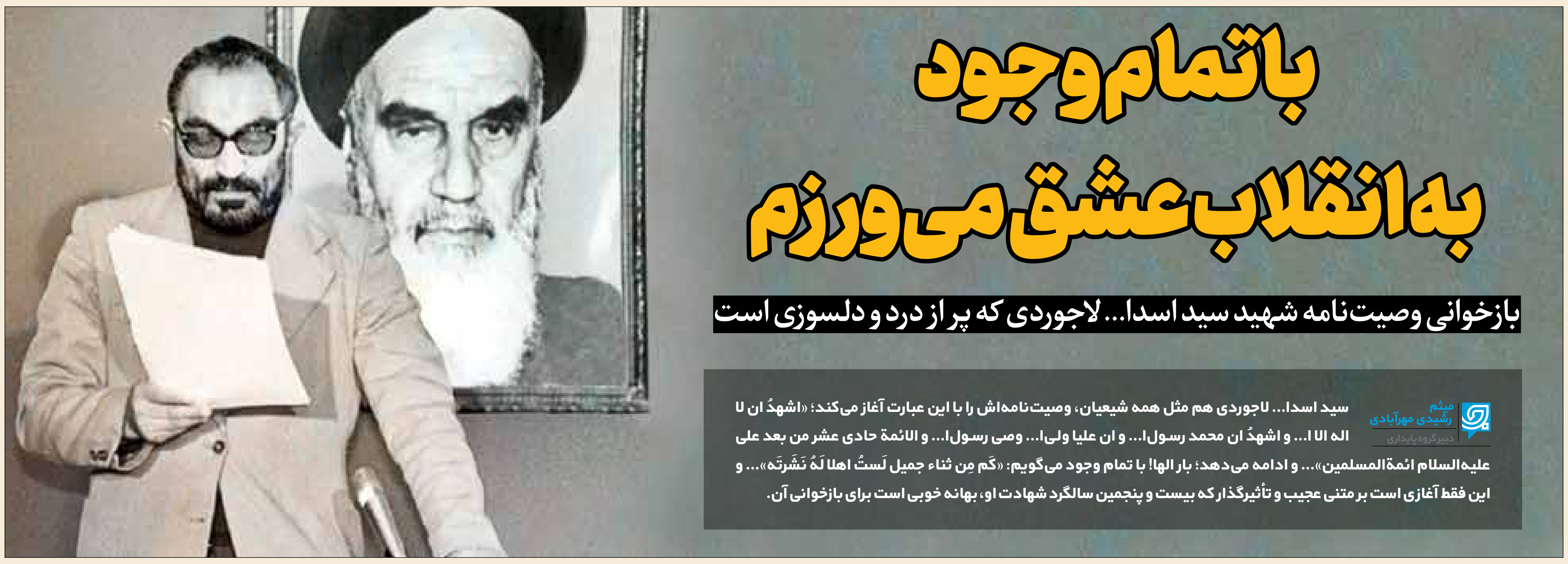

باتمام وجود به انقلاب عشق می‌ورزم

بازخوانی وصیت‌نامه شهید سید اسدا... لاجوردی که پر از درد و دلسوزی است

میثم رشیدی مهرآبادی
دبیرگروه پایداری

سید اسدا... لاجوردی هم مثل همه شیعیان، وصیت‌نامه‌اش را با این عبارت آغاز می‌کند: «اشهدُ ان لا اله الا ا... و اشهدُ ان محمد رسول‌ا... و ان علیا ولی‌ا... وصی رسول‌ا... و الائمة حادی عشر من بعد علی علیه‌السلام ائمةالمسلمین»... و ادامه می‌دهد: بار الها! با تمام وجود می‌گویم: «کَم مِن ثناء جمیل لَستُ اهلا لَهُ نَشَرتَه»... و این فقط آغازی است بر متنی عجیب و تأثیرگذار که بیست و پنجمین سالگرد شهادت او، بهانه خوبی است برای بازخوانی آن.

عمرم را از دست دادم

خداوندا! عمری را - که بهترین نعمت بوده - از دست داده‌ام، در حالی که می‌توانست در راه تو و خدمت به انسان‌های مظلوم و مستضعف به کار گرفته شود؛ عمری که می‌توانست تا حدودی در جهت از بین بردن ارزش‌های منفی و ایجاد و احیای ارزش‌های الهی - انسانی مثمر ثمر افتد؛ عمری که می‌توانست در راه تحقق هدف‌های مقدس اسلام و اعتلای کلمه‌التوحید و تکامل صاحبش سپری گردد؛ عمری که می‌توانست از کمیتش بکاهد و بر کیفیتش بیفزاید و همگام با شهدای خداجوی، جویای راه وصول به تو باشد؛ عمری که با کمیت نسبتا زیاد، کوچکترین توشه‌ای بر نگرفته. لذا همین جاست که تمامی امیدش را و تمامی رجایش را، به عفو تو و به اغماض تو و بزرگواری تو و رحمت و فضل تو بسته است.

چند راهه‌های حیرت

خدایا! خوب می‌دانی آنچه را هم اکنون به قلم می‌آورم

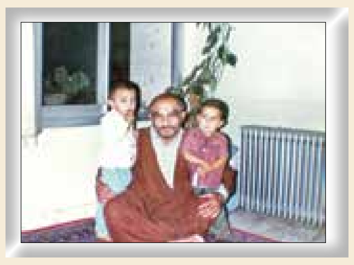

مدت‌های مدیدی است در درونم می‌گذرد و بر سر چند راهه‌های حیرت ندانم چیست؟ چه باید کرد؟ امور به کجا می‌انجامد؟ چگونه است که با نام اسلام و در ذی اسلامیت شعارهای مردم فریب خالی محتوا، رواج پیدا می‌کند و آنها که مسئولیت جلوگیری از انحراف افکار را دارند ساکت می‌نشینند! و سهل است، بعضا تایید هم می‌کنند و هزاران سؤال، که هر کدام راهی را ایجاب و خطی را ترسیم می‌کند، قرار گرفته‌ام. اما خوشبختانه چون مقلد امام عزیز هستم، راه سعادت برایم روشن است و از خدا می‌خواهم اگر عمری بود، توفیق عمل بدان را پیدا کنم.

با تمام وجودم به این انقلاب عشق می‌ورزم

خدایا! با تمام وجودم به این انقلاب عشق می‌ورزم و به همان مقدار که دوستدار انقلابیونم، نسبت به حامیان ضد انقلاب نفرت دارم.

خدایا! تو شاهدی به همان اندازه - بلکه صد چندان - که به امام قاطع و سازش ناپذیرم عشق می‌ورزم، نسبت به سازشکاران و مدافعان عملی ضد انقلاب نفرت دارم. بیم آن دارم حوادث مشروطه مجددا تکرار شود یا ایران اسلامی به سرنوشت الجزایر دچار شود.

عاشق نظام هستم

خداوندا! از تو مصرانه می‌خواهم دست و قدم، زبان و قلم همه کسانی را که در جهت رهانیدن ضد انقلابیون و مرتدین و محاربین از چنگال عدالت، اعمال قدرت و نفوذ کرده‌اند و همه کسانی که پذیرای این ننگ شده‌اند برای همیشه از سرنوشت این مردم شهید پرور و شاهد قطع فرمایی.

خدایا! چون عاشق نظام بوده‌ام، از آن ترس داشتم که افشای چهره سازشکاران، لطمه‌ای ناچیز به نظام وارد آرد، به آنها توصیه می‌کنم که جدای از لفاظی و بازارگرمی‌های صنفی، به قیامت و حسابرسی‌های دقیق آن روز باور پیدا کنند.

وصیت به صاحبان قدرت و نفوذ

وصیتم به صاحبان قدرت و نفوذ این است که اگر حرکتشان را دوست می‌دارند، به جای شعارهای مردم فریب و سیاستمدارانه، توصیه‌هایی را که تلفنی و شفاهی در جهت استخلاص ضد انقلاب

و مَلَأ و مترفین و حرامخواران و حرام اندوزان اعمال می‌دارند، با شهامت و رشادت، برای مردم بازگو کنند و از هر نوع توجیه و ماستمالی کردن‌های حفظ سمت و استمرار موقعیت صدارت بپرهیزند که خودفریبی و مردم‌فریبی بالاخره به پایان رسد و سر و کار با خیرالماکرین افتد.

توصیه‌ام به سردمداران

توصیه‌ام به سردمداران این است که به خدا توکل کنند و قاطعیت و سازش‌ناپذیری را از امام مردم بیاموزند و شعار نه شرقی و نه غربی را که خواست و حق مردم است و علت موجده این انقلاب بوده فراموش نکنند و مباداکه گذشت روزها و فروافتادن، طبیعی شود و انقلاب و مهمتر از همه سختی‌های حرکت و فشارهای بین‌المللی موجب شود تعادلی را که شعار فوق ایجاب می‌کرده و بحمدا... تا حدودی ایجاد گردیده، به هم زنند و بدانند که قدرت مطلق از آن خداست و صرفا تکیه بر اوست که از هر قدرتی، انسان را و جامعه را بی‌نیاز می‌کند. اگر دچار حسابگری‌های سیاسی جدای از توکل شوند و بر ذهنیت‌های شکل گرفته، رضایت خدا و مردم مسلمان را ملاک قرار ندهند، گور خود و انقلاب را کنده و برای مردم، گورستانی بی‌نام و نشان در پهنه تاریخ ایجاد کرده‌اند و یادشان باشد که علت موجده، علت مُبْقیه نیز هست.

خطر منافقین انقلاب

خدایا! تو شاهدی چندین بار به عناوین مختلف، خطر منافقین انقلاب را (همانان که التقاط، به گونه منافقین خلق سراسر وجودشان را و همه ذهن و باورشان را پر کرده و همانان که ریاکارانه برای رسیدن به مقصودشان، دستمال ابریشمی بسیار بزرگ به دست گرفته‌اند، هم رجایی و باهنر را می‌کُشند و هم به سوگ‌شان می‌نشینند، هم با منافقین خلق، پیوند تشکیلاتی و سپس...! برقرار می‌کنند، هم آنان را دستگیر می‌کنند و هم برای آزادی‌شان و اعطای مقام و مسئولیت بدانان تلاش می‌کنند و از افشای ماهیت کثیف آنان سخت بیمناک می‌شوند، هم در مبارزه علیه آنان و در حقیقت برای جلب رضایت مسئولین و نجات بنیادی آنان خود را در صف منافق‌کُشان می‌زنند و هم در حوزه‌های علمیه به فقه و فقاهت روی می‌آورند تا مسیر فقه را عوض کنند)، به مسئولین گوشزد کرده‌ام ولی نمی‌دانم چرا ترتیب اثر نداده‌اند.

خطری بیشتر از خطر منافقین خلق

به مسئولین بارها گفته‌ام که خطر اینان به‌مراتب

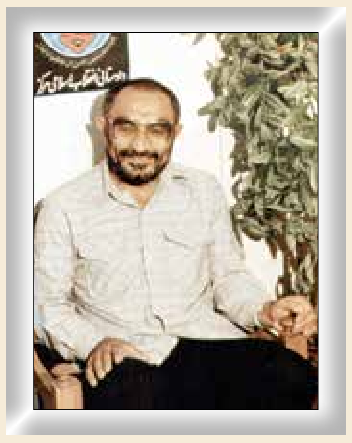

زیادتر از خطر منافقین خلق است، چراکه علاوه بر همه شیوه‌های منافقانه منافقین، سالوسانه در صف حزب‌اللهیان قرار گرفته و کم کم آنان را در صفوف آخرین و سپس به صف قاعدین و بازنشستگان سوقشان داده و صفوف مقدم را غاصبانه به تصرف خود در آورده‌اند، به گونه‌ای که عملا عقل و اراده منفصل برخی تصمیم‌گیرندگان قرار گرفتند و در عزل و نصب‌ها و حفظ و ابقاءها دست به تخریب می‌زنند و اعمال قدرت می‌کنند.

خیر و صلاح شما در رفاه نبود

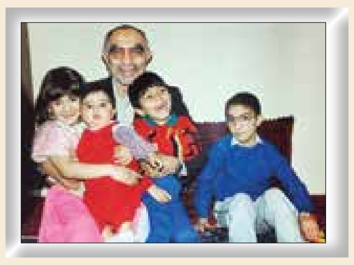

به هر صورت، پدرتان که از همه چیز جز انقلاب و اسلام بیشتر دوستتان می‌دارد، خیر و صلاح شما را در رفاه نمی‌دانسته و نمی‌داند و امید دارد در زندگی، رفاه‌جویی و عافیت‌طلبی را آگاهانه به دور اندازید و با عزمی آهنین در کام مشکلات روید و توقع نداشته باشید دیگران برای حل مشکلاتتان اقدامی ولو ناچیز کنند. به جای چنین انتظاری در حل مشکلات مردم کوشا باشید و از سختی‌ها نهراسید و به گونه‌ای عمل کنید که هر مصیبتی و هر مشکلی هر قدر عظیم، در پیش اراده و عزم شما سر تسلیم فرود آورد و به جای این‌که بر شما چیره شود و شما را دست و پا بسته بر زمین افکند، بر امواج بظاهر سهمگینش سوار شوید و مهارش را به دست گیرید و بدانسو هدایتش کنید که می‌خواهید و اجازه ندهید که بر شما مسلط شود و تعادل شما را برباید.

برش

مصلحت‌اندیشی‌های پشیمانی‌آور

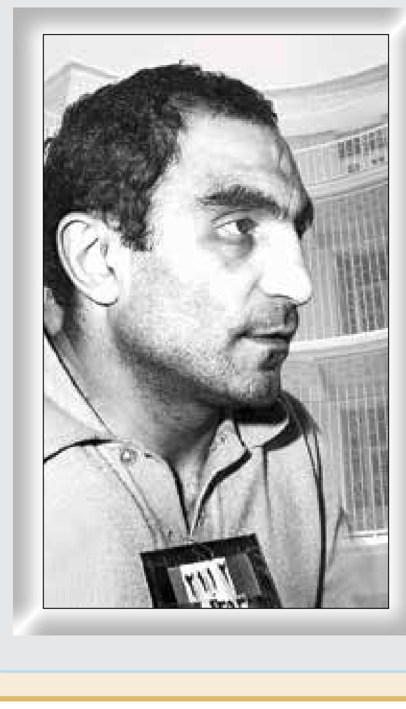

هدف غایی از همه این تلاش‌ها، گسترش فکر التقاطی و انحرافی سازمان ضد خدایی‌شان است که جز اندیشه‌های مادیگرایانه و ماتریالیستی، چیز دیگری نیست و با بهره‌گیری از تجربیات مثبت و منفی همپالگی‌های چپ و منافقشان توانسته‌اند متاسفانه به نسبت بسیار زیادی تعداد کثیری از روحانیون را تحت تاثیر قرار دهند و با لطایف‌الحِیل، بر ذهن و روان آنان اثرات دلخواهشان را بگذارند تا بدانجا که بر اعمال جنایتکارانه آنان با دیده اغماض بنگرند و حتی در مواردی نظیر به شهادت رساندن باهنر و رجایی، به دست روی دست مالیدن‌های مسامحه‌کارانه و مصلحت‌اندیشی‌های پشیمانی‌آورنده متوسل شوند. باز مهمتر از همه این که با کمال تاسف، توانسته‌اند تعداد فراوانی از جوانان مسلمان را جذب کرده منحرف نمایند.

ای خانواده عزیزم! بهوش باشید مباداکه فریب تایید و تکریم‌های ریاکارانه این منافقان جدا از دین را بخورید. چه بسا با ظاهری چاکرانه و دلسوزانه به سراغتان بیایند و خود را چنان حزب‌اللهی جا بزنند که مسلمان‌ها و ابوذرها را جرات لحظه‌ای هم لباسی و همشکلی با آنان نباشد!

فرزندانم! اگر گاهی بر شما سخت می‌گرفته‌ام و این در حالی بوده که برایم امکان فراهم آوردن رفاه بیشتر بوده، از آن جهت بوده است که اعتقادی استوار به کریمه «ان مع العُسر یسرا» داشته‌ام و اگر می‌توانستم شما را و خانواده را بیشتر از آنچه تحمل کردید قانع کنم به طور قطع چنان می‌کردم و یقین داشتم که در تکوین شخصیت سالم و رشد یابنده شما مؤثرتر و کارسازتر بود.

حل سودوکو ۴۴۴۶

۲	۷	۵	۸	۹	۶	۱	۳	۴				۴	۳	۸	۷	۲	۵	۹	۱	۶
۱	۸	۳	۷	۴	۲	۵	۹	۶				۱	۹	۶	۳	۸	۴	۵	۲	۷
۹	۴	۶	۵	۱	۳	۲	۷	۸				۵	۷	۲	۹	۱	۶	۳	۸	۴
۸	۵	۹	۱	۲	۷	۶	۴	۳				۲	۵	۹	۸	۴	۷	۱	۶	۳
۶	۳	۲	۴	۵	۸	۹	۱	۷				۸	۱	۳	۶	۹	۲	۷	۴	۵
۴	۱	۷	۶	۳	۹	۸	۵	۲				۶	۴	۷	۵	۳	۱	۸	۹	۲
۳	۲	۸	۹	۷	۵	۴	۶	۱	۷	۳	۸	۹	۲	۵	۱	۶	۳	۴	۷	۸
۵	۶	۱	۳	۸	۴	۷	۲	۹	۱	۵	۶	۳	۸	۴	۲	۷	۹	۶	۵	۱
۷	۹	۴	۲	۶	۱	۳	۸	۵	۴	۲	۹	۷	۶	۱	۴	۵	۸	۲	۳	۹
						۹	۵	۳	۶	۴	۲	۸	۱	۷						
						۶	۱	۴	۸	۷	۵	۲	۳	۹						
						۸	۷	۲	۳	۹	۱	۵	۴	۶						
۳	۶	۱	۸	۵	۹	۲	۴	۷	۵	۱	۳	۶	۹	۸	۵	۲	۷	۳	۴	۱
۸	۷	۲	۳	۴	۱	۵	۹	۶	۲	۸	۴	۱	۷	۳	۸	۴	۶	۲	۹	۵
۵	۴	۹	۲	۷	۶	۱	۳	۸	۹	۶	۷	۴	۵	۲	۹	۱	۳	۸	۷	۶
۷	۲	۴	۱	۹	۸	۳	۶	۵				۳	۴	۵	۱	۶	۸	۷	۲	۹
۹	۳	۵	۴	۶	۲	۷	۸	۱				۹	۲	۶	۳	۷	۴	۵	۱	۸
۱	۸	۶	۵	۳	۷	۴	۲	۹				۷	۸	۱	۲	۵	۹	۶	۳	۴
۴	۹	۸	۷	۱	۳	۶	۵	۲				۸	۶	۹	۴	۳	۲	۱	۵	۷
۶	۵	۷	۹	۲	۴	۸	۱	۳				۵	۳	۷	۶	۹	۱	۴	۸	۲
۲	۱	۳	۶	۸	۵	۹	۷	۴				۲	۱	۴	۷	۸	۵	۹	۶	۳

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یک سطر یاستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

سودوکو ۴۴۴۷

۵	۱						۷	۲				۹	۱						۸	۵
۹		۴				۶		۳				۵		۲				۶		۴
	۲	۳				۹	۱						۶	۴				۱	۷	
			۴		۵										۶		۱			
				۹												۵				
			۶		۸										۴		۹			
	۴	۶				۷	۹						۵	۶				۳	۱	
۲		۷				۵		۸				۴		۱				۹		۸
۸	۵						۶	۴		۱		۳	۸						۲	۶
									۵		۸									
								۲				۹								
									۶		۹									
۷	۹						۴	۵		۶		۸	۹						۴	۶
۱		۴				۳		۶				۵		۷				۸		۲
	۲	۳				۹	۸						۳	۴				۷	۱	
			۸		۱										۹		۳			
				۵												۶				
			۹		۶										۸		۵			
	۷	۹				۸	۱						۶	۱				۴	۵	
۲		۸				۷		۹				۷		۸				۱		۹
۴	۶						۳	۲				۹	۴						۳	۷